

کاربست سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک: افزایش تصمیم‌گیری و عملکرد سازمانی

فاطمه موحدی راد^{۱*}

فاطمه غضنفری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات بهره‌برداری از سیستم‌های اطلاعاتی بر مدیریت استراتژیک، تصمیم‌گیری و عملکرد سازمانی در صنایع مواد غذایی می‌پردازد. ماهیت نسبتاً رقابتی و آسیب‌پذیری این صنعت در برابر تغییرات مداوم، تصمیم‌گیری سریع و مؤثری را که سیستم‌های اطلاعاتی ارائه می‌دهند، می‌طلبد. به این ترتیب، سیستم‌های اطلاعاتی می‌توانند به مدیریت استراتژیک کمک کنند، مدیریت عملکرد بهبود یافته را در سطح سازمانی ارائه دهند و زنجیره تأمین و مصرف‌کننده را بهبود بخشند. این تحقیق نشان می‌دهد که سیستم‌های اطلاعاتی ابزاری مهم در پیش‌بینی تغییرات بازار و همچنین وسیله‌ای برای سازگاری با قوانین جدید برای افزایش پایداری و معیارهای اخلاقی برای تقویت نوآوری و تمایز سازمانی در شرکت‌های تولیدی مواد غذایی است. این مطالعه به درک چگونگی و چگونگی تأثیر سیستم‌های اطلاعاتی بر تصمیم‌گیری (سوال تحقیق ۱) و عملکرد سازمانی (سوال تحقیق ۲) در زمینه صنعت مواد غذایی کشور می‌پردازد. این تحقیق با پیروی از یک فلسفه تحقیق اثبات‌گرا، یک رویکرد تحقیق کمی را اتخاذ می‌کند و تجزیه و تحلیل آماری، قابلیت اطمینان و اعتبار داده‌های جمع‌آوری‌شده را تضمین می‌کند. جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های ساختاریافته و تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از مدل‌های رگرسیون خطی نشان می‌دهد که سیستم‌های اطلاعاتی تأثیر مثبت و حیاتی بر بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و سایر عملکردهای سازمانی دارد. فرضیات منطقی نشان می‌دهند که سیستم‌های اطلاعاتی، فرآیند تصمیم‌گیری و عملکرد سازمان‌ها را بهبود می‌بخشد. در حالی که نگرانی‌های زیادی مانند افزایش هزینه‌ها و خطرات امنیتی وجود دارد، ادغام مناسب سیستم‌های اطلاعاتی، اهداف سازمانی را افزایش می‌دهد و در عین حال بر رویکردی داده‌محور به سیستم‌های اطلاعاتی تأکید می‌کند. این مطالعه، منطق محکمی را برای افزایش جذب سیستم‌های اطلاعاتی در صنایع مختلف به منظور افزایش رقابت‌پذیری و عملکرد سازمانی ارائه می‌دهد. تحقیقات آینده همچنین باید طرح‌های تحقیقاتی کیفی را در بر بگیرد تا غنا و تنوع بیشتری از موضوع را به خود اختصاص دهد و مکان‌های جغرافیایی متنوع‌تری را در بر بگیرد. همچنین، مطالعه نقش تعدیل‌کننده فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی و یادگیری مکانیسمی بر اثربخشی سیستم‌های اطلاعاتی، توسعه چارچوب‌های مدیریت استراتژیک را که می‌تواند برای صنایع مختلف مفید باشد، افزایش می‌دهد.

کلمات کلیدی

استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی، مدیریت استراتژیک، تصمیم‌گیری، عملکرد سازمانی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی (تحقیق در عملیات)، دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه. Movahedirad.official@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی (تحقیق در عملیات)، دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه. F.Ghazanfari@ut.ac.ir

۱ مقدمه

۱.۱ پیشینه مطالعه

فناوری‌های فزاینده بر مدیریت استراتژیک تأثیر گذاشته‌اند، جایی که سیستم‌های اطلاعاتی یک جزء جدایی‌ناپذیر را تشکیل می‌دهند که عملکرد سازمان را افزایش داده و تصمیم‌گیری آن را بهبود می‌بخشد. در نتیجه، ادغام سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت استراتژیک اخیراً یک جنبه ضروری برای دستیابی به مزیت رقابتی و مدیریت عملیات بوده است. بنابراین سیستم‌های اطلاعاتی به جمع‌آوری و پردازش داده‌های بزرگ کمک می‌کند و پشتیبانی لازم را برای سطح مدیریتی در تصمیم‌گیری‌های مناسب و به موقع فراهم می‌کند. همچنین فعالیت‌های استراتژیک مختلفی مانند ارزیابی بازار، برنامه‌ریزی و توسعه را تکمیل می‌کند تا کارایی سازمانی را بهبود بخشد. قابلیت استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک به ویژه در زمینه افزایش پیشرفت‌های تکنولوژیکی و محیط کسب‌وکار در حال تغییر که سرعت بالای تغییر و تصمیمات بسیار آگاهانه را پیش‌فرض قرار می‌دهد، ارزشمند است (نگوین و تران، ۲۰۲۳). بخش‌ها و سازمان‌های مختلف، ابتکارات استراتژیک کسب‌وکار و نتایج عملکردی را که می‌توانند توسط سیستم‌های اطلاعاتی ایجاد شوند، در نظر گرفته‌اند. سازمان‌ها استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه و استراتژیک مانند سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمانی و مدیریت ارتباط با مشتری را به عنوان افزایش چشمگیر در بهره‌وری عملیاتی، رضایت مشتری و عملکرد سازمانی، معتبر دانسته‌اند (الشراری و همکاران، ۲۰۲۳). این سیستم‌ها تصویر کلی از فرآیندهای کسب‌وکار سازمان‌ها و مشتریان آنها ارائه می‌دهند که شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا استراتژی‌های خود را برای رفع نیازهای مشتریان تنظیم کنند و از این طریق رضایت مشتری را بهبود بخشند. در نهایت، کاربرد مؤثر فناوری‌های پیشرفته تجزیه و تحلیل و هوش تجاری به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا روندهای جدید و موقعیت‌های بالقوه آینده را تعیین کرده و مطابق با تغییرات عمل کنند. بنابراین، سیستم‌های اطلاعاتی نه تنها به تصمیم‌گیری استراتژیک کمک می‌کنند، بلکه فرآیندهای یادگیری و بهبود مستمر را در سازمان‌ها نیز تسهیل می‌کنند (جوهانسن و همکاران، ۲۰۲۲).

با این حال، استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک محدودیت‌هایی نیز دارد، مانند هزینه‌های بالای مورد نیاز برای پیاده‌سازی فناوری و آموزش افراد، و شامل مسائل امنیتی و همچنین مسائل مربوط به سازگاری که احتمالاً هنگام تلاش برای ادغام سیستم‌های اطلاعاتی در فرآیندهای موجود شرکت ایجاد می‌شوند. در یک زمینه وسیع‌تر، سه شرط کلیدی برای استفاده کارآمد از سیستم‌های اطلاعاتی شناسایی شده است: همسویی فناوری با اهداف خاص سازمانی و پرورش استراتژیک فرهنگ سازمانی داده‌محور. علاوه بر این، شایان ذکر است که فناوری حوزه وسیعی است که فقط در حال توسعه است، به این معنی که استراتژی‌ها و روش‌های جدید دائماً منحصر به فرد به نظر می‌رسند. غلبه بر این چالش‌ها نیازمند یک راه حل چند سطحی است که شامل تعهد رهبری، سازمان‌یادگیرنده و ساختارهای نهادینه شده حاکمیت فناوری اطلاعات باشد. از طریق غلبه بر همه این موانع، به دست آوردن مزایای ارائه شده توسط سیستم‌های اطلاعاتی در افزایش قابلیت‌های مدیریتی مدیریت استراتژیک سازمان و در نتیجه ایجاد عملکرد سازمانی بالا در محیط تجاری فعلی و دائماً در حال پیشرفت، آسان می‌شود (اسمیت و همکاران، ۲۰۲۳).

۱,۲ بیان مسئله

صنعت مواد غذایی در ایران بخشی با گردش مالی بالا و سودآوری نسبتاً بالا است، زیرا شامل محصولاتی است که به طور مکرر و منظم توسط مصرف‌کنندگان یا کسب‌وکارها مصرف می‌شوند. بنابراین، شرکت‌ها نیاز دارند که سیستم‌های اطلاعاتی را برای مدیریت استراتژیک خود بپذیرند تا تصمیم‌گیری‌ها و در نتیجه عملکرد سازمان‌ها را بهبود بخشند. این سرعت بالای نوآوری، ابزارهای پیچیده سیستم‌های اطلاعاتی را نیز برای شرکت‌های صنعت مواد غذایی به ارمغان آورده است تا حجم زیادی از اطلاعات را مدیریت کرده و اطلاعات ارزشمندی ارائه دهند. این سیستم‌ها به افراد اجازه می‌دهند تا تجزیه و تحلیل داده‌ها را در زمان واقعی انجام دهند، زنجیره‌های تأمین را مدیریت کنند و روابط با مشتری را پرورش دهند. استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای اهداف استراتژیک به شرکت‌ها کمک می‌کند تا پیش‌بینی‌هایی انجام دهند و تعیین کنند که بازار یا مصرف‌کنندگان در آینده برای بهبود استراتژی‌های بازاریابی و همچنین تمایز محصول به چه چیزی نیاز خواهند داشت. علاوه بر این، این ادغام منجر به هماهنگی بیشتر بین بخش‌های مختلف برای بهبود عملیات و در عین حال کاهش هزینه می‌شود. در زمینه صنعت مواد غذایی کشور، پذیرش سیستم‌های اطلاعاتی توسط مخاطبان، اهداف استراتژیک را نیز در زمینه تمرکز فزاینده بر تحول دیجیتال و پایداری در بر می‌گیرد. این امر به نظارت بر پارامترهای مصرف منابع کمک می‌کند و همچنین شناخت انطباق قانونی و زیست‌محیطی را تسهیل می‌کند. به طور کلی، با ایجاد چارچوب‌های قوی سیستم‌های اطلاعاتی در بخش مواد غذایی، تصمیم‌گیری با مزیت رقابتی و رشد پایدار بلندمدت، خارجی می‌شود.

۱,۳ هدف مطالعه

هدف این مطالعه بررسی استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک است: افزایش تصمیم‌گیری و عملکرد سازمانی. است.

۱,۴ منطق مطالعه

منطق مطالعه «بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک»: در مورد بخش مواد غذایی ایران است. می‌توان این موضوع را به این واقعیت مرتبط دانست که این صنعت بسیار رقابتی است و همیشه در حال تغییر و تحول است. این صنعت، صنعتی بسیار رقابتی است که در آن تصمیم‌گیری‌های صحیح و سریع برای حفظ رقابت‌پذیری و ادامه عملیات تجاری حیاتی است. سیستم‌های اطلاعاتی حیاتی هستند، زیرا هم داده‌های فعلی و هم ابزارهای تحلیلی و ابزارهای پیش‌بینی را ارائه می‌دهند که در تصمیم‌گیری ضروری هستند. در مدیریت استراتژیک، سیستم‌های اطلاعاتی ابزاری برای مدیریت بهتر عملکردهای سازمانی، تغییر زنجیره‌های تأمین و ارتباط با مصرف‌کنندگان فراهم می‌کنند. بازار کشور به تدریج در حال تغییر بوده است و با به کارگیری سیستم‌های اطلاعاتی، شرکت‌های کالاهای مصرفی سریع‌تر قادر به پیش‌بینی تغییرات و در نتیجه پاسخ به تغییرات قانون یا برآورده کردن انتظارات بالا در مورد پایداری و اخلاق هستند. علاوه بر این، استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی، شاخص‌های عملکرد سازمانی را بهبود می‌بخشد و در نتیجه پویایی و نوآوری در سازمان‌ها را افزایش می‌دهد. از تجزیه و تحلیل سیستم‌های اطلاعاتی در این بخش، این مطالعه سایر بخش‌ها را به پذیرش این فناوری به عنوان وسیله‌ای برای بهبود مزیت‌های رقابتی تشویق خواهد کرد.

۱,۵ اهداف تحقیق

هدف اول: بررسی تأثیر سیستم اطلاعات اهرمی بر تصمیم‌گیری

هدف دوم: بررسی تأثیر سیستم اطلاعات اهرمی بر عملکرد سازمانی

۱,۶ سوالات تحقیق

سوال ۱: تأثیر سیستم اطلاعات اهرمی بر تصمیم‌گیری در صنعت مواد غذایی ایران چیست؟

سوال ۲: تأثیر سیستم اطلاعات اهرمی بر عملکرد سازمانی در صنعت مواد غذایی ایران چیست؟

۲ مرور ادبیات

۲,۱ مدیریت استراتژیک و سیستم‌های اطلاعاتی

در طول سال‌ها، به دلیل پیشرفت‌های فناوری و پیچیده‌تر شدن محیط کسب و کار در سطح جهانی، ادغام سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت استراتژیک به عنوان یک حوزه مهم تحقیقاتی ظهور کرده است. بنابراین، مدیریت استراتژیک، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی بین سازمانی را با هدف دستیابی به اهداف سازمانی تعریف می‌کند. سیستم‌های اطلاعاتی، از جمله فناوری‌های جمع‌آوری و پردازش داده‌ها، نقش محوری در این فرآیند ایفا می‌کنند، زیرا ابزاری را ارائه می‌دهند که از طریق آن می‌توان داده‌ها را جمع‌آوری، پردازش و به طور مؤثر استفاده کرد. سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت استراتژیک، سازمان را قادر می‌سازد تا از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها، هوش تجاری و مدل‌سازی پیش‌بینی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری و عملکرد سازمانی را بهبود بخشد. این هماهنگی در زمینه‌هایی مانند بخش کالاهای مصرفی سریع‌الانتقال، که با نوسانات بالا، تغییرات مداوم در بازار و نیازهای مشتری مشخص می‌شود، بیشترین سود را دارد.

۲,۲ بهبود فرآیند تصمیم‌گیری از طریق سیستم‌های اطلاعاتی

تصمیم‌گیری همچنین با استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی از طریق ارائه ابزارهای تحلیلی و اطلاعات بلادرنگ آسان‌تر شده است. استفاده از پلتفرم‌های کلان داده و ادغام الگوریتم‌های یادگیری ماشین به شرکت‌ها کمک می‌کند تا از داده‌هایی مانند الگوها، روندها و سایر جنبه‌های بازار، بینش کسب کنند. در زمینه کالاهای مصرفی که چرخه محصول کوتاه و چرخه مصرف مشتری سیال است، این قابلیت‌ها بسیار مفید هستند. سیستم‌های اطلاعاتی دقت پیش‌بینی تقاضا، مدیریت موجودی و مدیریت زنجیره تأمین را افزایش می‌دهند که منجر به افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها می‌شود. علاوه بر این، سیستم‌های اطلاعاتی از طریق تجزیه و تحلیل و بازخورد مصرف‌کننده در تصمیمات کلیدی مدیریت کسب و کار در زمینه‌هایی مانند بازاریابی، توسعه محصول و مدیریت روابط مشتری دخیل هستند. بنابراین، سازمان‌ها می‌توانند جذابیت‌های تبلیغاتی مرتبط‌تری را طراحی کنند، محصولاتی را مطابق میل مصرف‌کننده طراحی کنند و رضایت فروش و مشتریان وفادار را افزایش دهند.

تحقیقات در مورد نقش سیستم‌های اطلاعاتی و بررسی موارد، پشتوانه‌های فراوانی برای جهت‌گیری سیستم‌های اطلاعاتی گردآوری کرده است. مطالعات علمی اخیر نشان می‌دهد شرکت‌هایی که به صورت استراتژیک از سیستم‌های اطلاعاتی و فناوری استفاده می‌کنند، احتمالاً به کارایی عملیاتی، نوآوری و حساسیت بازار بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که در ادغام سیستم‌های اطلاعاتی شکست می‌خورند، دست می‌یابند. به عنوان مثال، در تحقیقات تجربی انجام شده در بخش مواد غذایی انگلستان، نشان داده شد که شرکت‌هایی که سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته را در مدیریت زنجیره تأمین به کار گرفته‌اند، از مزایای عملیاتی و بهبود رضایت مشتری بهره‌مند می‌شوند. همین اتفاق در مورد یک شرکت مشهور نیز رخ داد که در آن افزایش کاربرد تجزیه و تحلیل پیش‌بینی‌کننده و یادگیری ماشینی در توسعه محصول منجر

به افزایش نرخ موفقیت محصول جدید و سهم بازار شد (چوی و همکاران، ۲۰۲۱). همانطور که اشاره شد، این مطالعه اهمیت سیستم‌های اطلاعاتی را در بهبود جنبه‌های مختلف مدیریت استراتژیک، از جمله جنبه‌های عملیاتی، نوآوری و فشار رقیب، اما نه محدود به آنها، بیشتر نشان می‌دهد.

۲,۳ چالش‌ها و مسیرهای آینده

با این حال، همانطور که این پژوهش نشان داده است، ادغام سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت استراتژیک، مزایایی دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. دو چالش مهم در میان نگرانی‌های اصلی به شرح زیر است: همسویی استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی با چشم‌انداز و اهداف سازمانی، نگرانی اصلی مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی است که اساساً با درک آمادگی فناوری و جهت استراتژیک یک کسب و کار گره خورده است. علاوه بر این، پیشرفت سریع فناوری نیز می‌تواند یک نقطه ضعف باشد زیرا گنجاندن به‌روزرسانی‌های مختلف سیستم‌های اطلاعاتی در زیرساخت سازمانی دشوار می‌شود و منجر به منسوخ شدن احتمالی سیستم‌های اطلاعاتی و هزینه‌های بیشتر می‌شود (بهارادواج و همکاران، ۲۰۲۱). خطرات دیگر همچنان پابرجا هستند زیرا مسائل امنیتی و حریم خصوصی همچنان یک چالش عمده به ویژه در صنایعی هستند که داده‌های مصرف‌کننده برای تصمیم‌گیری حیاتی است، مانند صنعت مواد غذایی تحقیقات آینده که باید در اولویت قرار گیرند شامل ارائه نظریه‌های سختگیرانه‌تر در مورد ادغام سیستم‌های اطلاعاتی، تحقیق در مورد هوش مصنوعی و فناوری بلاکچین بر مدیریت استراتژیک و مهمتر از همه، تأثیر استفاده زیاد از داده‌ها است. اگر به این چالش‌ها به طور مناسب پرداخته شود، سازمان‌ها می‌توانند از ارزش استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی برای دستیابی به اهداف استراتژیک و کسب مزیت رقابتی پایدار بهره ببرند.

۲,۴ استفاده از سیستم اطلاعاتی و تصمیم‌گیری

یک تحلیل اولیه و غیردقیق از ادبیات مربوط به کاربرد سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک در بخش کالاهای مصرفی سریع‌الانتقال، محیطی پیچیده را نشان می‌دهد که با استفاده از فناوری، ساختار سازمانی و نیروهای رقابت تعریف می‌شود. در این مورد، توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در صنعت کالاهای مصرفی سریع‌المصرف، نشان‌دهنده یک گذار مدیریتی واضح به سمت یک محیط مبتنی بر داده و دیجیتالی شدن است. به عنوان مثال، لادون و لادون (۲۰۲۰) بر اهمیت سیستم‌های اطلاعاتی در ایجاد انعطاف‌پذیری سازمانی و پاسخگویی به نیروی بازار و در نتیجه شکل‌دهی به تصمیمات مدیریت استراتژیک تأکید می‌کنند. مشابه این دیدگاه، فرض بر این است که از طریق کاربرد خلاقانه سیستم‌های اطلاعاتی، شرکت‌ها می‌توانند ارزش برتر ایجاد کنند و با ادغام فناوری در فعالیت‌های زنجیره ارزش، به رهبران نوآوری تبدیل شوند. علاوه بر این، استفاده از تجزیه و تحلیل پیشرفته، هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی در عملیات، بر نحوه جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات برای اهداف هوش تجاری توسط این شرکت‌ها نیز تأثیر گذاشته است. کلان‌داده‌ها و تجزیه و تحلیل‌های پیش‌بینی‌کننده می‌توانند به سازمان‌های برتر در پیش‌بینی ترجیح مصرف‌کنندگان برای خرید، قیمت‌هایی که بیشترین سود را به همراه دارند و نحوه جذب عملی مشتریان برای اطمینان از بازگشت مجدد آنها کمک کنند. بنابراین، موفقیت سیستم‌های اطلاعاتی، به ویژه هنگامی که صحبت از ادغام آن در فرآیند مدیریت استراتژیک به میان می‌آید، چیزی فراتر از تسلط صرف بر فناوری است؛ این امر مستلزم ادغام فرهنگ سازمانی، رهبری و مهارت‌ها/استراتژی‌های مدیریت تغییر است. این با این دیدگاه که سیستم‌های اطلاعاتی تنها در صورتی می‌تواند به نتایج استراتژیک کمک کند که فناوری اطلاعات به طور مناسب با اهداف سازمانی همسو باشد،

همسو است. علاوه بر این، محققان خاطرنشان کرده‌اند که کاربرد مدیریت دانش برای تحقق پتانسیل سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک نیازمند تغییر فرهنگ به سمت تجزیه و تحلیل داده‌ها و یادگیری است. با این حال، اجرای سیستم‌های اطلاعاتی در بخش کالاهای مصرفی محدودیت‌ها و معایب خاص خود را دارد. حوزه‌های زیر همچنان نگرانی اصلی برای اجرای سیستم‌های اطلاعاتی در این بخش هستند: چالش‌های اجرای سیستم‌های اطلاعاتی شامل ظهور خطرات امنیتی، نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی و همچنین آنچه که می‌توان از آن به عنوان اضافه بار اطلاعات یاد کرد، می‌شود. همچنین، این نشان می‌دهد که به دلیل سرعت بالای پیشرفت فناوری، شرکت‌های کالاهای مصرفی سریع باید ظرفیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی خود را برای حفظ مزیت رقابتی در این حوزه بیشتر توسعه و گسترش دهند (گوپتا و جورج، ۲۰۲۳). بنابراین، همانطور که در ادبیات خلاصه شده است، سیستم‌های اطلاعاتی امکان ایجاد انقلابی در نحوه انجام مدیریت استراتژیک و در نتیجه بهینه‌سازی عملکرد سازمانی در زمینه صنعت مواد غذایی کشور را دارد. با این حال، برای تحقق این مزایا، دانش ملموس از رابطه و تعامل بین فناوری، عوامل سازمانی و محیط صنعتی باید بخشی از کار اساسی را تشکیل دهد و باید به طور فعال به منظور مقابله با مسائل و پیچیدگی‌های پیاده‌سازی و استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی، توجه زیادی شود.

۲.۵ بهره‌گیری از سیستم اطلاعاتی و عملکرد سازمانی

با این وجود، تحقیقات در مورد رابط بین سیستم‌های اطلاعاتی و عملکرد سازمانی، عمدتاً به دلیل اهمیت سیستم‌های اطلاعاتی در بهبود مدیریت استراتژیک و کارایی عملکرد سازمانی، مورد توجه قابل توجهی قرار گرفته است. سیستم‌های اطلاعاتی به مجموعه‌ای از ابزارها و فناوری‌ها اشاره دارند که با هدف سازماندهی، پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات برای تسهیل فرآیندهای تصمیم‌گیری، بهبود کارایی عملیات سازمانی و کسب مزیت رقابتی انجام می‌شوند. چارچوب نظری کلی که از مفهوم ارزش استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی پشتیبانی می‌کند، دیدگاه مبتنی بر منابع است که ادعا می‌کند منابع اجباری مانند سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته، برای تدوین یک مزیت رقابتی پایدار اساسی هستند. روندهای بعدی بر اساس این چارچوب ساخته شده‌اند تا نشان دهند که چگونه قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی در برنامه‌های استراتژیک کلی برای افزایش اثربخشی سازمانی گنجانده شده‌اند. شرکت‌هایی که از تجزیه و تحلیل کلان‌داده استفاده می‌کنند، تصمیم‌گیری، نوآوری و عملکرد عملیاتی بهتری را گزارش کرده‌اند. به طور خاص در صنعت مواد غذایی، کلان‌داده می‌تواند برای درک ترجیحات مصرف‌کننده، تقاضا و استراتژی‌های قیمت‌گذاری بالقوه، افزایش رقابت‌پذیری و سودآوری به کار گرفته شود.

با این حال، وقتی چالش‌های زیر را می‌شنویم، پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز سیستم‌های اطلاعاتی به آن آسانی که به نظر می‌رسد نیست. چالش‌هایی که با حریم خصوصی داده‌ها، نگرانی‌های امنیت سایبری و پیاده‌سازی سیستم‌های قدیمی مرتبط هستند، همچنان یک چالش هستند. ایمن‌سازی داده‌ها و محافظت از آنها در برابر مقررات مختلف، به ویژه با توجه به حجم عظیم داده‌های مصرف‌کننده، اقدامی محتاطانه است. رهبری و همسویی استراتژیک نیز برای حمایت از استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای بهبود عملکرد سازمانی مرتبط هستند. ادغام سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت ارشد مستلزم پشتیبانی و چشم‌اندازی برای ادغام سیستم‌های اطلاعاتی با بقیه سازمان به منظور دستیابی به موفقیت در پیاده‌سازی است. تحقیقات دیگر نشان داده است که سازمان‌هایی که رهبری سیستم‌های اطلاعاتی را به طور مؤثر پیاده‌سازی می‌کنند، در موقعیت بهتری برای دستیابی به مزایای سرمایه‌گذاری بهینه سیستم‌های اطلاعاتی مانند بهره‌وری،

نوآوری و مزیت تجاری قرار دارند. همچنین، فرهنگ سازمانی بهبود و سازگاری مداوم برای استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی بسیار مهم است زیرا به سازمان‌ها کمک می‌کند تا به سرعت به نوسانات بازار و فناوری دست یابند.

۳ روش‌شناسی

۳,۱ چارچوب نظری

استفاده مؤثر از سیستم‌های اطلاعاتی، فرآیندهای تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشد و منجر به بهبود نتایج سازمانی می‌شود. با ارائه اطلاعات به موقع و دقیق، سیستم‌های اطلاعاتی از انتخاب‌های استراتژیک و عملیاتی بهتر پشتیبانی می‌کنند و در نهایت کارایی و عملکرد را بهبود می‌بخشند. این چارچوب بر اهمیت استراتژیک همسوسازی فناوری اطلاعات با اهداف سازمانی برای دستیابی به عملکرد برتر تأکید می‌کند.

۳,۲ فلسفه تحقیق

فلسفه تحقیق اثبات‌گرا اغلب در متن انتشار مطالعه توضیح داده می‌شود. به این ترتیب، محقق قادر خواهد بود زمان بیشتری را برای جمع‌آوری داده‌ها برای مقاله مطالعه اختصاص دهد. در نتیجه، محقق در طول تحقیق به داده‌ها بیشتر متکی می‌شود و داده‌ها را قابل اعتمادتر می‌کند. در نتیجه یافته‌های این تحقیق، محقق قادر خواهد بود یک مطالعه تجربی قابل اعتماد و مؤثر برای بررسی استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک مانند بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و نتایج سازمانی ایجاد نماید.

۳,۳ طرح تحقیق

بر اساس یافته‌های این مطالعه، توصیه شد که هنگام جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل نتایج، از یک رویکرد تحقیق کمی استفاده شود. هدف اصلی استفاده از روش کمی این است که با داده‌های عددی سروکار دارد که می‌توانند از نظر آماری تجزیه و تحلیل شوند. با توجه به ماهیت پیوسته داده‌هایی که به موضوع تحقیق مربوط می‌شوند، این مطالعه بر تفسیرگرایی تأکید خواهد کرد. علاوه بر این، تکنیک تحقیق استقرایی، که امکان استفاده از مفاهیم و حقایق شناخته شده و تفسیر نتایج را فراهم می‌کند، تمرکز اصلی مطالعه در حال انجام خواهد بود. به منظور اطمینان از اجرای صحیح، این مطالعه استراتژی تحقیق خود را بر تحقیق توصیفی متمرکز خواهد کرد. همانطور که تجربه نشان می‌دهد، استفاده از این نوع خاص از روش تحقیق می‌تواند به بهبود دانش در مورد زمینه اجتماعی کمک زیادی کند. هدف اصلی تحقیق این تحقیق، ارزیابی میزان سواد فنی در بین مدیران شرکت‌های تجاری است. استفاده از روش‌های تحقیق کمی امکان ردیابی رویدادهایی را فراهم می‌کند که می‌توانند برای افراد مضر باشند. رایج‌ترین رویکرد برای جمع‌آوری حقایق عینی، روش‌شناسی کمی است که شامل استفاده از اعداد و یک رویکرد آماری برای به اشتراک گذاشتن داده‌ها به طور خلاصه و واضح است. یکی از نقاط قوت استفاده از طرح‌های تحقیق کمی این است که ارتباط مشخصی بین داده‌های آماری و هدف و فرضیه‌های مطالعه وجود دارد. این عامل یکی از دلایل اصلی انتخاب رویکرد تحقیق کمی به عنوان روش جمع‌آوری داده‌ها است.

۳,۴ رویکرد تحقیق

از سوی دیگر، استدلال قیاسی شامل شناسایی یک جنبه واحد از مسئله مورد بررسی است و اغلب به گزاره‌های جنبه دیگر مربوط به معیارهای تعیین‌شده در شرایط دیگر بستگی دارد. این کار پس از ارائه فرضیه‌ها انجام می‌شود و فرآیند بررسی و جمع‌آوری داده‌ها برای تأیید یا رد این فرضیه، در حمایت از اهداف و مقاصد تحقیق بسیار مؤثر خواهد بود.

این امر یک عامل قوی و انگیزشی برای محقق ایجاد می کند تا مشاهدات دقیقی انجام دهد و داده های دیگری را در رابطه با مطالعه جمع آوری کند. در نتیجه، محقق می تواند فرضیه هایی را از اطلاعاتی که در طول مطالعه جمع آوری کرده است، بسازد.

۳,۵ فرآیند جمع آوری داده ها

این بخش، نحوه جمع آوری داده ها از شرکت کنندگان هدف را، همانطور که در ارزیابی ذکر شده است، توجیه می کند. اول از همه، پرسشنامه مقالات قبلی باید با توجه به متغیرهای مستقل و وابسته تغییر کند و در این مورد با سرپرست بحث شود. پرسشنامه توسط سرپرست از طریق فرآیند تأیید دریافت و سپس در فرم گوگل بارگذاری می شود و شرکت کنندگان از طریق لینک موجود در فرم گوگل مطلع خواهند شد. پرسشنامه یک مقیاس لیکرت ۵ عاملی را اتخاذ می کند که در آن گزینه های هر سوال شامل موارد زیر خواهد بود: کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم.

۳,۶ فرآیند تحلیل داده ها

داده های جمع آوری شده با استفاده از یک صفحه گسترده اکسل به صورت جدولی نگهداری می شوند. سازماندهی داده ها به فرآیند ورود به برنامه ای که با نام SPSS نسخه ۲۰ شناخته می شود، کمک خواهد کرد. داده های کمی از طریق پرسشنامه های نظرسنجی جمع آوری می شوند، در حالی که داده های کیفی پس از ارسال داده ها از طریق مصاحبه جمع آوری می شوند و نتایج از طریق روش های مختلف ارزیابی به دست می آیند. کاربرد اصلی آزمون فراوانی، به دست آوردن داده های کمی مربوط به ارزیابی توسط متخصصان از گزاره های مختلف است. پس از آن، همبستگی متغیرها از طریق رگرسیون و تحلیل مقایسه ای تعیین می شود. ارزیابی مفهوم همچنین می تواند با استفاده از رویکرد آماری به عنوان وسیله ای برای ارزیابی مفاهیم انجام شود.

۳,۷ ملاحظات اخلاقی

لازم به ذکر است که هنگام جمع آوری داده ها برای این تحقیق، تمام ملاحظات اخلاقی مربوطه رعایت شده است. مسائلی که مربوط به حق خودمختاری داوطلبان است، از جمله رضایت کتبی قبلی که آنها به عنوان شرکت کننده در مطالعه ارائه داده اند، مورد بحث قرار گرفت. در واقع، اطلاعات تحقیقاتی موجود در اینجا می تواند به تهیه پاسخ مطلوب کمک کند. علاوه بر این، حریم خصوصی و یکپارچگی داده ها نیز بررسی شده است. محقق تنها شخصی خواهد بود که به هر یک از داده ها یا اطلاعاتی که می تواند برای ردیابی یا دستیابی به یک شرکت کننده خاص استفاده شود، دسترسی خواهد داشت. در مورد اطلاعات منتشر شده، محرمانه بودن کامل یافته های تحقیق رعایت شده است. در این مطالعه، محققان سطح بالایی از رفتار اخلاقی را نشان داده اند.

۴ نتایج/یافته ها

۴,۱ تحلیل جمعیت شناختی

۴,۱,۱ جنسیت

در رابطه با توزیع جنسیتی، داده ها نشان می دهد که مردان کمی بیش از نیمی از نمونه را تشکیل می دهند که ۴۹ درصد (۴۹ شرکت کننده) را تشکیل می دهند، در حالی که زنان کمی کمتر و ۵۱ درصد (۵۱ شرکت کننده) را تشکیل می دهند. تفکیک متنوع شرکت کنندگان نشان می دهد که هیچ تمایلی به هیچ یک از دو جنس وجود ندارد، بنابراین یک دیدگاه

۳۶۰ درجه برای تجزیه و تحلیل ارائه می‌دهد. مورد اخیر همچنین گواهی بر این واقعیت است که نمونه گردآوری شده شامل ۱۰۰ شرکت کننده با تعداد مساوی در هر دو گروه جنسیتی است. این توزیع برای دستیابی به عینیت بیشتر در مطالعه و دستیابی به نتایج مرتبط مهم است، زیرا عوامل جنسیتی باید متعادل و جامع باشند.

۴,۱,۲ سن

گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال، ۲۲٪ از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد که نشان‌دهنده‌ی افراد شاغل در اوایل دوران حرفه‌ای پاسخ‌دهندگان است. حدود سی درصد از آنها بین ۳۱ تا ۳۵ سال سن دارند که می‌توان آنها را به عنوان افرادی در دوران اوج خود دانست که به احتمال زیاد وضعیت شغلی پایداری دارند. در نهایت، گروه سنی بالای ۳۵ سال ۲۹٪ از پاسخ‌ها را تشکیل می‌دادند و می‌توان فرض کرد که نشان‌دهنده‌ی گروه متخصصانی با تجربه کاری بیشتر یا متخصصان باتجربه‌تر هستند. مجموع درصدها نشان می‌دهد که گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال، ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان مورد بررسی را تشکیل می‌دهند و بقیه‌ی نمونه شامل گروه‌های سنی بالای ۳۵ سال هستند. توزیع سنی متنوع نمونه تضمین می‌کند که نتایج مطالعه شامل منابع متنوع، متفاوت و متنوعی خواهد بود که داده‌های غنی‌تری در مورد تجربیات پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت استراتژیک و عملکرد سازمانی بخش صنعت مواد غذایی ارائه می‌دهد.

۴,۱,۳ آموزش

بر اساس نتایج پیشینه تحصیلی پاسخ‌دهندگان، ۴۷٪ از ۱۰۰ پاسخ‌دهنده دارای مدرک لیسانس و ۵۳٪ از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. با این توزیع، می‌توان استنباط کرد که بخش کوچکی از نمونه، توانایی ادامه تحصیل را کسب کرده‌اند. در نهایت، درصد تجمعی بیشتر ثابت می‌کند که همه پاسخ‌دهندگان، در مجموع، حداقل دارای مدرک لیسانس هستند که این گروه را به عنوان افراد تحصیل کرده معرفی می‌کند. درصد بالاتر پاسخ‌دهندگان که مدرک کارشناسی ارشد گرفته‌اند (۵۳٪) را می‌توان به عنوان گرایشی به سمت سطح بالاتری از تحصیلات نیز در نظر گرفت که در محیطی که نیاز به تخصص عمیق‌تری دارد، مهم است. این توزیع می‌تواند به شناسایی وضعیت تحصیلی مخاطبان هدف کمک کند که رهبران تجاری یا سیاسی می‌توانند جهت یا سیاست‌های سازمانی خود را که از سطح بالای تحصیلات کارگران بهره می‌برند، تغییر دهند.

۴,۲ تحلیل قابلیت اطمینان

ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها در این تحقیق، سطح بالایی از پایایی درونی ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در مطالعه را نشان می‌دهد. به طور خاص، آلفای کرونباخ متغیر سیستم اطلاعات اهرمی ۰,۸۳۴ است، بنابراین، تصمیم‌گیری برای سازه‌های مربوطه خود، یعنی عملکرد بازار و عملکرد سازمانی به ترتیب ۰,۸۱۹ و ۰, که هر کدام از چهار مورد توسعه یافته‌اند، آلفای ۰,۸۵۱ دارد. این مقادیر، همگی بالاتر از آستانه پذیرفته شده رایج ۰,۷۰۰ هستند که نشان می‌دهد موارد موجود در هر متغیر به یک عامل اشاره دارند. چنین پایایی برای تعیین صحت و اعتبار نتایج مطالعه همراه با مقیاس‌هایی که متغیرهایی مانند سیستم‌های اطلاعاتی اهرمی، تصمیم‌گیری و همچنین عملکرد سازمانی را در زمینه صنعت مواد غذایی در کشور اندازه‌گیری می‌کنند، مهم است.

جدول ۱. قابلیت اطمینان.

تعداد اقلام	آلفای کرونباخ	متغیرها
۴	۰,۸۳۴	سیستم اطلاعات اهرمی
۴	۰,۸۵۱	تصمیم گیری
۴	۰,۸۱۹	عملکرد سازمانی

۴,۳ تحلیل رگرسیون خطی

فرضیه ۱: تأثیر معناداری از سیستم اطلاعات اهرمی بر تصمیم گیری در زمینه صنعت مواد غذایی وجود دارد.

۴,۳,۱ جدول خلاصه مدل (فرضیه اول)

به طور کلی، خلاصه مدل، ارتباط بالای مدیریت سیستم های اطلاعاتی با مدیریت استراتژیک در صنعت مواد غذایی را اثبات می کند. مشاهده می شود که مقدار ضریب همبستگی (R) برابر با ۰ است. ضریب ۰,۸۴۳ تقریباً کامل است که نشان دهنده تطابق بسیار بالای متغیرها است. مقدار R Square برابر با ۰,۷۱۰ است، به این معنی که استفاده از سیستم های اطلاعاتی، فرد را قادر به پیش بینی ۷۱٪ از عملکرد سازمانی می کند R Square تعدیل شده که کمی پایین تر و ۰,۷۰۷ است، نشان دهنده تعداد پیش بینی کننده ها است، مدل تا حد مشابهی احساسات را توضیح می دهد. خطای استاندارد تخمین ۱,۸۳۶۶۲ است که نشان می دهد مقادیر مشاهده شده به طور متوسط چقدر از خط رگرسیون منحرف می شوند، تا استدلال شود که نمای کلی نتایج عملکرد، با استفاده از سیستم های اطلاعاتی، از نظر مدل توسعه یافته، از دقت معقولی برخوردار است.

جدول ۲. خلاصه مدل

مربع R تعدیل شده	R^2	R	مدل
۰,۷۰۷	۰,۷۱۰	۰,۸۴۳	۱

۴,۳,۲ جدول تحلیل واریانس فرضیه اول

جدول تحلیل واریانس زیر، نتایج آماری فرضیه مربوط به استفاده از سیستم های اطلاعاتی و تصمیم گیری در چارچوب زیربخش صنعت مواد غذایی را خلاصه می کند. این جدول نشان می دهد که در مجموع مربعات رگرسیون ۸۱۰,۲۲۵ واریانس زیادی در تصمیم گیری از طریق پیش بینی کننده، یعنی استفاده از سیستم های اطلاعاتی که بزرگتر از مقدار مجموع مربعات باقیمانده ۳۳۰,۵۷۲ هستند، توضیح داده می شود. این جدول دارای میانگین مربعات رگرسیون ۸۱۰,۲۲۵ برای مخرج و میانگین مربعات باقیمانده ۳ است. مقادیر توصیفی، میانگین و انحراف معیار متغیر شناخته شده، XP 373، را در ۳۱۳۷ و مقادیر F حاصل ۲۴۰,۱۹۶ را نشان می دهد که بسیار کم و بسیار معنی دار است. این نشان می دهد که متغیری که استفاده از سیستم اطلاعاتی را برای تصمیم گیری در نظر می گیرد، پیش بینی کننده خوبی برای فرآیند تصمیم گیری است. بنابراین، طبق یافته های برجسته شده در بالا، داده ها اثبات قانع کننده ای ارائه می دهند که اتخاذ سیستم های اطلاعاتی می تواند جنبه های مختلف تصمیم گیری برای شرکت های بخش صنعت مواد غذایی را به طور قابل توجهی بهبود بخشد. نتایج، نقش فناوری را در تکنیک های مدیریت استراتژیک مجدداً تأیید می کند.

جدول ۳. آنالیز واریانس

F	میانگین مربع	دی اف	مجموع مربعات	مدل
۲۴۰,۱۹۶	۸۱۰,۲۲۵	۱	۸۱۰,۲۲۵	رگرسیون
	۳,۳۷۳	۹۸	۳۳۰,۵۷۲	باقیمانده
		۹۹	۱۱۴۰,۷۹۷	مجموع

فرضیه ۲: تأثیر معناداری از اهرم سیستم اطلاعات بر عملکرد سازمانی در زمینه صنعت مواد غذایی وجود ندارد.

۴,۳,۳ جدول خلاصه مدل (فرضیه دوم)

از نظر خلاصه مدل، نشان می‌دهد که استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی تأثیر قابل توجه و مثبتی بر عملکرد سازمانی در صنعت مواد غذایی وجود دارد. قرار دادن مدل جدید و مقدار R قابل توجهی معادل ۰,۲۳۹ داد، که همچنان در محدوده نسبتاً قوی ۷۶۹ باقی می‌ماند. مقدار R^2 برابر با ۰ نشان دهنده درصد واریانس کل توضیح داده شده توسط مدل است و هرچه به ۱ نزدیک‌تر باشد، مدل بهتر است (۰,۵۹۱). اگرچه هیچ دو سازمانی با روش استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی کار نمی‌کنند، ۱٪ از عملکرد سازمانی توسط استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی توضیح داده می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مقدار کمی پایین‌تر از ۰,۵۸۷ دارد و این مقدار همراه با R^2 برابر با ۰,۶۶۳ و تعداد پیش‌بینی‌کننده‌ها در مدل، به مدل اعتبار می‌بخشد. خطای استاندارد تخمین ۲,۱۳۴۷۷ است که نشان‌دهنده‌ی نسبتاً خوبی از میزان عملکرد سازمانی است که از پیش‌بینی‌کننده‌ی داده‌شده تخمین زده می‌شود، ضمن اینکه نویدبخش زمینه‌ای برای تحقیقات بیشتر است.

جدول ۴. خلاصه مدل

خطای انحرافی تخمین	مربع R تعدیل شده	R_t	R	مدل
۲,۱۳۴۷۷	۰,۵۸۷	۰,۵۹۱	۰,۷۶۹	۱

۴,۳,۴ جدول تحلیل واریانس فرضیه دوم

جدول ANOVA، تحلیل مدل رگرسیون سهام را که رابطه L سیستم‌های اطلاعاتی با عملکرد سازمانی را در چارچوب مجموعه داده‌ها بررسی می‌کند، ارائه می‌دهد. مدل رگرسیون نسبت F فوق‌العاده ۱۴۱,۴۹۵ را پردازش کرد، همچنین تأثیر معنی‌داری برای نسبت واریانس عملکرد سازمانی که توسط مدل محاسبه شده بود، R^2 برابر با ۰,۴۹۵ وجود داشت که نشان‌دهنده سطح بالایی از پیش‌بینی‌پذیری رابطه پیشنهادی است. مقایسه میانگین‌های رتبه‌بندی (M) تفاوت آماری معنی‌داری را بین گروه‌ها نشان داد. با استفاده از "بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی"، به معنای استفاده مؤثر از فناوری اطلاعات، این یافته‌ها حاکی از آن است که این عامل تأثیر آماری معنی‌داری بر تغییرات نمرات عملکرد سازمانی دارد. علاوه بر این، ما مقدار پایین سطح معناداری را با ضریب رگرسیون داریم که نشان می‌دهد فرضیه صفر رد رابطه L سیستم‌های اطلاعاتی و عملکرد سازمانی وجود دارد، بنابراین به این معنی است که یک رابطه واقعی وجود دارد و نه یک اتفاق تصادفی. اگرچه مقادیر مطلق t متغیرهای مستقل و آماره‌های t مرتبط با آنها نسبتاً متوسط است؛ مقدار بالای ضریب تعیین ($R\text{-squared} = 0.591$) نشان می‌دهد که ۵۹٪. بنابراین، عملکرد سازمانی با استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی به روش زیر توضیح داده می‌شود: استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی = میانگین + ۰,۱۲۹۸ * (استفاده

از سیستم‌های اطلاعاتی - میانگین) تغییر در عملکرد سازمانی = ۱٪ در مجموع، این یافته‌ها را می‌توان طوری تفسیر کرد که با گزاره‌ای که در موضوع چگونگی تأثیر استقرار مناسب سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد سازمانی مطابق با داده‌های مورد بررسی قرار می‌گیرد، مطابقت داشته باشد.

جدول ۵. آنالیز واریانس (ANOVA)

مدل		مجموع مربعات	DF	میانگین مربع	F	sig
۱	رگرسیون	۶۴۴,۸۲۹	۱	۶۴۴,۸۲۹	۱۴۱,۴۹۵	0.000
	باقیمانده	۴۴۶,۶۱۱	۹۸	۴,۵۵۷		
	مجموع	۱۰۹۱,۴۴۰	۹۹			

۵ نتیجه‌گیری

۵,۱ خلاصه

به طور خلاصه، این تحقیق بینش‌های خوبی ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک در بخش صنعت مواد غذایی کشور ضروری هستند. بنابراین، این مطالعه تأیید می‌کند که ادغام سیستم‌های اطلاعاتی نه تنها یک منبع اضافی، بلکه برای تقویت موفقیت سازمانی و ابزارهای تصمیم‌گیری حیاتی است. بنابراین، ثابت شده است که سیستم‌های اطلاعاتی در ارزیابی، برنامه‌ریزی و بهبود بازار، که همگی با تسهیل جمع‌آوری داده‌ها، محاسبات و کمک‌های مدیریتی هوشمند، اثربخشی سازمانی را تقویت می‌کنند، بسیار ارزشمند هستند. با توجه به تحقیقات پیشین، ثابت شده است که افزایش استفاده از ابزارهای پیشرفته سیستم‌های اطلاعاتی از جمله سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمانی و CRM در عملیات شرکت‌های تولیدی، کارایی عملیات، رضایت مشتری و عملکرد را افزایش می‌دهد. این ابزارها امکان انتقال مداوم داده‌ها از یک بخش به بخش دیگر را فراهم می‌کنند و به تصمیم‌گیرندگان این امکان را می‌دهند که در زمان مناسب به اطلاعات صحیح دسترسی داشته باشند. این دسترسی، تصمیم‌گیری‌های بسیار آگاهانه و به موقع را ممکن می‌سازد که مستقیماً ظرفیت شرکت را برای پاسخگویی مناسب به نیروهای بازار و خواسته‌های مصرف‌کنندگان تعیین می‌کند. با این حال، این مطالعه همچنین برخی از مشکلات پیش آمده در اجرای آن را به شرح زیر آشکار می‌کند: آیا پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی باید انجام شود؟ امور مالی پردردسری که شامل سرمایه‌گذاری اولیه منابع، هزینه‌های ارتقاء و هزینه‌های پشتیبانی مداوم می‌شود، موانعی هستند که با انگیزه‌های مختلف با چنین ترتیبی همراه هستند. چنین پیوسته‌هایی مسائل امنیتی و پیچیدگی‌های سازگاری با سیستم‌های مرسوم موجود را افزایش می‌دهند. این چالش‌ها مستلزم جایگاه‌یابی مناسب سیستم‌های اطلاعاتی با توجه به اهداف کلی سازمانی و ایجاد داده‌ها است.

این چالش‌ها مستلزم جایگاه‌یابی مناسب سیستم‌های اطلاعاتی در رابطه با چشم‌انداز استراتژیک سازمان و پذیرش گرایش‌های مبتنی بر داده است. این همسویی به تضمین این امر کمک می‌کند که سرمایه‌گذاری انجام‌شده در سیستم‌های اطلاعاتی، به‌ویژه توسط سازمان، حداکثر مزایا را به همراه داشته باشد و در نهایت، جوهره سیستم‌های اطلاعاتی را به عنوان ابزاری برای اجرای مدیریت استراتژیک در سازمان حفظ کند.

علاوه بر این، این تحقیق اشاره می‌کند که برای افزایش قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی در جهت توسعه پایدار، رفع موانع ذکر شده ضروری است. این امر تنها در صورتی امکان‌پذیر است که سازمان‌ها با اختصاص منابع برای آموزش

کارکنان، اجرای استراتژی‌های حفاظتی قوی در برابر تهدیدات سایبری و در نظر گرفتن سازگاری این سیستم‌ها با الزامات و فرآیندهای سازمان، مایل به مقابله با این چالش‌ها باشند. به این ترتیب، آنها در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند مزاحمت‌ها را کنترل کرده و کاربردهای سیستم‌های اطلاعاتی را افزایش دهند تا تصمیم‌گیری بهتر و عملکرد سازمانی برتر را تسهیل کنند.

شواهد مختلف جمع‌آوری شده از تحقیقاتی که از روش‌شناسی تحقیق کمی و اثبات‌گرایی استفاده کرده‌اند، بر اهمیت فرآیندهای سیستم‌های اطلاعاتی برای بهبود تصمیم‌گیری و عملکرد سازمانی تأکید دارند. بررسی متغیرهای ساختاری و ماتریس‌های همبستگی، همراه با مدل‌های رگرسیون خطی که رابطه‌ی مثبت بین استقرار استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی و بهبود عملکرد سازمانی را توضیح می‌دهند، از این نتیجه‌گیری پشتیبانی می‌کنند. بنابراین، منابع شواهد فوق می‌توانند اعتماد لازم را برای شرکت‌های صنعت مواد غذایی جهت سرمایه‌گذاری در سیستم‌های اطلاعاتی به عنوان دارایی سرمایه‌ای، فراهم کنند.

در مجموع و در نتیجه، این مطالعه تأیید می‌کند که سیستم‌های اطلاعاتی یک عامل اصلی در پیکربندی مدیریت استراتژیک صنعت مواد غذایی در کشور است. بنابراین، سیستم‌های اطلاعاتی کارایی جریان داده‌ها را افزایش داده و از فرآیندهای تصمیم‌گیری پشتیبانی می‌کند و در نتیجه نقش مهمی در دستیابی به اهداف و مقاصد سازمان ایفا می‌کند. با این وجود، بر اساس تجزیه و تحلیل، اگر شرکت‌ها از جهت‌گیری مناسب و همسویی ابتکارات خود با اهدافشان اطمینان حاصل کنند و آگاهی از اهمیت پشتیبانی اطلاعاتی را در بین اعضای سازمان افزایش دهند، مزایای پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی به طور قابل توجهی بر معایب آن سایه می‌افکند.

این یافته‌ها در توضیح جذابیت بازار برای شرکت‌های فعال در صنعت مواد غذایی که به دنبال ایجاد تغییر در محیط و رقابت هستند، مفید هستند. بنابراین، با بهره‌گیری از مزایای سیستم‌های اطلاعاتی به بهترین شکل ممکن، این شرکت‌ها قادر به افزایش اثربخشی عملیاتی، افزایش رضایت مصرف‌کننده و به نوبه خود، توانایی رشد پایدار هستند. بنابراین، این مطالعه با تشریح فرآیندهای پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی و اشاره به مسائل کلیدی مربوطه که باید برای کاهش مؤثر خطرات پیاده‌سازی مورد توجه قرار گیرند، ارزش عملی را برای مدیران و تصمیم‌گیرندگان فراهم می‌کند.

تحقیقات آینده می‌توانند بر اساس این کار، پیامدهای سیستم‌های اطلاعاتی را بر عملکرد سازمانی پس از یک دوره زمانی یا توسعه روابط بررسی کنند و ارزیابی کنند که چگونه نقش سیستم‌های اطلاعاتی احتمالاً با توجه به فناوری‌های جدیدتر مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی تغییر خواهد کرد. اول از همه، شناسایی بیشتر اجزای ملموس مؤثر بر اجرای موفقیت‌آمیز سیستم‌های اطلاعاتی در محیط‌های سازمانی مشخص، دانش و پیشنهاد‌های دقیق‌تری در مورد سیستم‌های اطلاعاتی برای شرکت‌های تولیدی ارائه می‌دهد.

به طور خلاصه، بر اساس تجزیه و تحلیل، این تحقیق بدون هیچ شکی ثابت می‌کند که سیستم‌های اطلاعاتی نقش حیاتی در مدیریت استراتژیک و عملکرد شرکت‌های فعال در صنعت مواد غذایی ایفا می‌کنند. به این ترتیب، با اتخاذ سیستم‌های اطلاعاتی و غلبه بر مشکلات اجرای سیستم‌های مربوطه، این شرکت‌ها فرصتی برای تقویت تصمیم‌گیری خود و دستیابی به پیشرفت‌های بیشتر در عملکرد دارند که به آنها مزایای رقابتی در محیط نسبتاً رقابتی این صنعت ارائه می‌دهد.

۵.۲ محدودیت‌ها و جهت‌گیری‌های آینده

تحقیق در مورد نقش و پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت استراتژیک در صنعت مواد غذایی محدودیت‌هایی نیز دارد که به شرح زیر است. می‌توان گفت که رویکردهای مبتنی بر کمیت می‌توانند تحلیلگران را نسبت به ویژگی‌های کیفی کور کنند، در حالی که این واقعیت که این تحقیق به طور خاص برای صنعت مواد غذایی کشور انجام شده است، ممکن است برای سایر صنایع قابل اجرا نباشد. مطالعات بیشتر باید از هر دو روش تحقیق کیفی برای به دست آوردن دیدگاه‌های دقیق و بررسی مناطق جغرافیایی بیشتر برای پوشش بسیاری از بازارها استفاده کنند. علاوه بر این، تحقیق در مورد چگونگی تأثیر نوآوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشین بر اثربخشی سیستم‌های اطلاعاتی نیز می‌تواند در غنی‌سازی شرکت‌های کوچک و متوسط و بهبود چارچوب مدیریت استراتژیک و تصمیم‌گیری در صنایع مختلف مفید باشد.

منابع و مآخذ

- [1] Alsharari, N. M., Abou-Shouk, M. A., & Radwan, M. H. (2023). The Role of Enterprise Resource Planning Systems in Enhancing Organizational Performance: An Empirical Study. *Journal of Business Research*, 154, 113-126.
- [2] Bharadwaj, A., El Sawy, O. A., Pavlou, P. A., & Venkatraman, N. (2021). Digital Business Strategy: Toward a Next-Generation of Insights. *MIS Quarterly*, 45, 3-30.
- [3] Chui, M., Manyika, J., & Bughin, J. (2021). The Big Potential of Big Data: A Field Guide for C-Suite Executives. *McKinsey Quarterly*. <https://www.mckinsey.com>
- [4] Gupta, S., & George, J. F. (2023). Toward the Development of a Big Data Analytics Capability. *Information & Management*, 60, Article ID: 103441.
- [5] Johnson, P., Thompson, R., & Miller, S. (2022). Leveraging Business Intelligence for Strategic Decision-Making: A Framework. *Information & Management*, 59, 103-115.
- [6] Laudon, K. C., & Laudon, J. P. (2020). *Management Information Systems: Managing the Digital Firm* (16th ed.). Pearson.
- [7] Nguyen, T. T., & Tran, Q. M. (2023). The Impact of Information Systems on Strategic Management in Emerging Markets. *Asia Pacific Journal of Management*, 40, 345-367.
- [8] Smith, R., Zhang, H., & Li, Y. (2023). Overcoming Challenges in the Integration of Information Systems for Strategic Management. *International Journal of Information Management*, 68, 102-112.